

بررسی تطبیقی فرگرد هفتم بغ نسک با یسن گاهانی سی و یکم و زند آن

فاطمه سیدی^۱

چکیده

بغ نسک یکی از نسک‌های اوستای دوره ساسانی است که هر چند متن اوستایی آن باقی نمانده است اما خلاصه‌ای از مطالب آن، آن گونه که مولف یا مولفان دینکرد دریافت‌اند در دینکرد نهم آمده است. این متن که شامل بیست و دو فرگرد است ترجمه لفظ به لفظ متن اوستایی، همانند آنچه در «زند» آمده است، نیست بلکه چکیده برخی از عبارات‌های متن اوستایی را با شرح و تفصیل بیشتر و توجیه معنایی عرضه می‌کند و از آن جهت که نویسنده کتاب، موبدی آشنا به آموزش‌های دین بوده است، دارای ارزش فراوانی است. در گفتاری که در پیش رو است کوشش شده است تا مطالب فرگرد هفتم بغ نسک با اشاره‌های گاهانی یسن سی و یکم از یک سو و متن زند آن از سوی دیگر برابر هم قرار داده شود تا ارتباط سه متن با یکدیگر روشن گردد و احتمالاً تفاوت دریافت‌ها نیز مشخص شود.

واژه‌های کلیدی: دینکرد نهم، بغ نسک، گاهان و زند.

۱- مقدمه

کتاب دینکرد مهم‌ترین متن دینی پهلوی است که در اصل ترجمه کامل اوستا را در برداشته و از این رو به آن «دایرة المعارف دین مزدایی» گفته‌اند (دو مناش^۲، ۱۹۵۸). این اثر در نه بخش است که هر یک از بخش‌های آن را با عنوان کتاب نام برده‌اند (بویس^۳، ۱۹۶۸). کتاب نهم دینکرد در بردارنده سه نسک اوستای دوره ساسانی یعنی «سوتگرنسک»^۴، «ورشتم مانسرنسک»^۵ و «بغ نسک»^۶ است. دو نسک نخست آن را زنده یاد دکتر تفضلی (۱۳۴۴-۱۳۴۵) در رساله دکتری خود تصحیح و ترجمه و

^۱ - دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات fa.seyedi@gmail.com

^۲ - De Menace

^۳ - Boyce, M.

^۴ - sudgar nask

^۵ - warStmAnsar nask

^۶ - baG nask

واژه‌نامه‌ای برای آن تنظیم کرده است. از این سه نسک، بغ نسک تاکنون به فارسی ترجمه نشده و با توجه به اینکه در بیست و دو فرگرد آن از مسائل اعتقادی دین زردشتی گفتگو شده و دارای واژه‌های مبهم و ناشناخته‌ای است، اقتضاء می‌کند که متن با دقت بررسی و تجزیه و تحلیل شود. عنوان سه فرگرد نخست از بغ نسک به ترتیب «یثا‌هووئیریو»^۱، «اشم‌وهو»^۲ و «ینگه‌هاتام»^۳ است که نام سه دعای مهم زردشتی است. عنوان فصل‌های دیگر از نخستین واژه‌های گاهانی یسن مربوط به آن فرگرد گرفته شده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۳۸).

متن گاهان همواره در تألیف آثار فارسی میانه به ویژه دینکرد، مورد توجه موبدان بوده است و به نظر می‌رسد غالباً برداشت‌های خود را مستقیم یا غیرمستقیم بر داده‌های گاهان متکی کرده‌اند. بغ نسک از نسک‌های مهم دینکرد نهم است که به وضوح به بندهایی از گاهان اشاره دارد. در گفتار پیش رو مقایسه‌ای تطبیقی میان فرگرد هفتم بغ نسک و یسن سی و یکم گاهان و زند آن انجام می‌گیرد. این فرگرد «تاورت» نامیده می‌شود که برگرفته از نخستین واژه‌های یسن سی و یکم (tā vō uruuātā) است. با در نظر داشتن متن فرگرد هفتم بغ نسک و نیز متن اوستایی یسن سی و یکم و زند آن، که ترجمه واژه به واژه اوستا است و تفاسیری که در پاره‌ای موارد به دنبال آن آمده است، کوشش شده است تا ارتباط معنایی و واژگانی آنها و نیز برداشت نویسنده دینکرد از گاهان و زند مشخص گردد.

ترجمه فارسی دینکرد در این گفتار، براساس تصحیحی است که نگارنده از مقایسه متن ویراسته مدن^۴ (۱۹۱۱: ۸۹۲-۹۰۳) و سنجانا^۵ (۱۹۲۸، ج ۱۹: ۱-۱۹)، دستنویس J5 (۱۹۷۶: ۴۵۱-۴۸۲) و D10 (۱۹۷۶: ۶۲۲-۶۴۲) و دستنویس B مطابق با نسخه درسدن^۶ (۱۹۶۶: ۶۰۰-۶۰۸) ارائه داده است. ترجمه گاهان بر اساس هومباخ^۷ (۱۹۹۴: ۳۴-۳۹)، و برگردان زند آن بر مبنای متن ویراسته دابار^۸ (۱۹۴۹: ۱۳۹-۱۴۷) است.

۲- مقایسه فرگرد هفتم بغ نسک با یسن ۳۱ (اوستا و زند)

فرگرد هفتم شامل ۴۹ بند است. برخی از مطالب آن که در این گفتار با یسن سی و یکم و زند آن مقایسه شده است عبارتند از: آشموعی و تأثیر آن بر دین اورمزد، داوری و ردی اورمزد، آشکارسازی نجات یافته و محکوم از طریق «نیرنگور»، رسیدن به دانایی به وسیله مانسر، پدر اندیشه نیک بودن

^۱- yaQA ahU WairiiO

^۲- aSvm WohU

^۳- yv?hVhAt&m

^۴- Madan, D.M.

^۵- Sanjana, D.P.

^۶- Dresden, M.j.

^۷- Humbach, H.

^۸- Dhabhar, B.N.

اورمزد، کردار خدای گونه داشتن، خرد پرورش گوسفند، درست اندیشی در دل و اندیشه، دیدن کرفه (= ثواب) آمیخته به گناه با چشم جان، دهش پرهیزکار، روایی کار اورمزد، الهام بخشی منش نیک، گفتن سخن راست، دادن بیمرگی و فزونی اندیشه نیک به پرهیزکار به وسیله اورمزد.

۲-۱- آشموعی و تأثیر آن بر دین اورمزد

فرگرد ۷ بند ۴ :

... dēn īohrmazd čiyōn-išān xwahist¹ud warm kardēstēd ka-z kāmaga-
išānahlomōyīhā enyā a-kām rāstihā gōwēnd udčāšēnd ud rawāgēnēnd.

« ... دین اورمزد به وسیله ایشان چنان آموخته و از بر شده است که به سبب میل ایشان به آشموعی، یا بی میلی به راستی، بگویند و بیاموزند و رواج دهند.»

یسن ۳۱ بند ۱:

...yōiuruuātāiš drujō ašahiā gaēvā vīmərəncaitē...

« ... آنان که با فرمانهای دروغشان جهان راستی نابود می شود... »

زند یسن ۳۱ بند ۱:

awēšān kē pad wābarīgānīh ī druj ān ī ahlāyīh gēhān be murnjēnēnd.

« آنان که با باور دروغ جهان راستی را نابود کنند.»

از مقایسه دینکرد با اوستا و زند، به نظر می رسد که منظور از آشموعی (ahlomōyīh)، همان فرمانهای دروغ (drujō) یا باورهای دروغ (wābarīgānīh) است که سبب نابودی دین اورمزد و جهان راستی می شود.

در بند دیگری از گاهان (یسن ۳۱ بند ۱۸)، تأکید شده است که مبادا مانسر (بنابر تفسیر، اوستا و زند) را از دروند (بنابر تفسیر، آشموعی) بشنوید:

یسن ۳۱ بند ۱۸ :

mā ciš aṭ vē drəguuatō maḍraçā gūštā sāsnaścā...aṭā iš sāzdūm
snaiṭiṣā.

« ای دون مباد کسی از شما که آموزش و مانسرهایی دروند را بشنود... پس آنان را با سلاح > معنوی < آموزش دهید.»

زند یسن ۳۱ بند ۱۹:

ma kas ēdōn az ašmā az ōy druwand mānsar niyōšād hammōzišn [kū
ahlomōyān abēstāg ud zand ma niyōšēd]...ēdōn awēšān [ahlomōyān] kū
sāzēd sneh.

^۱ - نک به مقاله « کاربرد نادری از مصدر xwastan در زبان پهلوی » (میرفخرایی ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۶۳).

« ایدون مباد کسی از شما که از دروند مانسر بشنود و بیاموزد [یعنی از آشموغان اوستا و زند نشنود]... ایدون < برای > ایشان [آشموغان] سلاح سازید.»

۲-۲- داوری و ردی اورمزد

فرگرد ۷ بند ۲:

ud ēn-iz kū **abdīh ī ohrmazd** paydāgēnēd kē ān ī ēwar-zamān **war** kunēd
...

« این نیز که کسی که در زمان مقرر ور کند، شگفتی اورمزد را آشکار سازد...»

یسن ۳۱ بند ۲:

yəzī āiš nōiṭ uruānē aduūā aibī.dərəštā vaḫiiā
aṭ vā vīspēṅg āiiōi yaṭā **ratūm ahurō** vaēdāmazdā aiiā ḡsaiiā...

« اگر با اینها راه بهتر برای گزیدن دیده نشده است پس به سوی همه شما می‌آیم چون داوری بر این دو گروه را اورمزد می‌داند...»

زند یسن ۳۱ بند ۲:

...ka ēdōn **radīh ī ohrmazd** āgāh bawēnd [kū abdīh ī ohrmazd be dānēnd] .

«... ایدون که < از > ردی اورمزد آگاه باشند [یعنی شگفتی اورمزد را بدانند].»

آنچه در دینکرد آمده با توجه به تفسیر زند است . شگفتی اورمزد (**abdīh ī ohrmazd**) در داوری (**radīh**) اوست و کسی که ور (**war**) می‌کند در واقع داوری اورمزد (**ratūm ahurō**) و شگفتی او را آشکار می‌سازد.

۲-۳- آشکارسازی نجات یافته و محکوم از طریق «نیرنگ ور»

فرگرد ۷ بند ۶:

ēn-iz kū kē **bōxt ud ēraxt** paydāg **wizīr** ī padīš kunēnd, ā-š ōy ī **pahikārdārišn** ahlawšnāyišn kard bawēd...

« این نیز کسی که برای آشکارسازی نجات و محکومیت فتوی/داوری بدو کنند، آن گاه او مناقشه کننده پرهیزکار را خشنود کرده باشد...»

یسن ۳۱ بند ۳:

yam dā mainiiū āṭrācā ašācā cōiš **rānōibiā** xšnūtēm
hiiāṭ **uruuatēm** cazdōṅhuuadēbiiō taṭ nē mazdā vīduuanōi vaocā...

« آن خشنودی را که با مینو، آتش و راستی بنابر میزان می‌دهی، احکامی را که به مشتاقان می-آموزی، آن را به ما بگو ای مزدا...»

زند یسن ۳۱ بند ۳:

ka-t dād pad mēnōgīh ātaxš ud ašawahišt u-t čāšt ō **pahikārdārān** šnāxtārīh [kū-t **bōxt ud ēraxt** paydāg kard.]

« که تو به مینویی آتش و اردیبهشت را آفریدی و به مناقشه‌کنندگان شناختن آموختی [یعنی نجات و محکومیت را آشکار کردی]. »

بر مبنای آنچه در اوستا و تفسیر زند آمده نجات و یا محکومیت مناقشه‌کنندگان (pahikārdārān) و نیز خشنودی پرهیزکار به سبب حکم (uruuāta) بر اساس راستی است و در حضور آتش، بنا بر میزان (rānōibiā). داوری (wizīr) بین دو گروه انجام می‌گیرد.

فرگرد ۷ بند ۴۰ :

kē-z bar pad xwēšīh ī ohrmazd dārēd ā-š **bōxt ud ēraxt** nimudārānmēnōgān...

« و نیز کسی که بر، به خویشی (= تملک) اورمزد دارد، آن گاه نجات و محکومیت او را مینویان نمودارند. »

یسن ۳۱ بند ۱۹ :

...yē mañtā ašēm ... ōβā āθrā **suxrā** mazdā vañhāu vīdātā **rañaiiā**.

« ای مزدا او راستی را اندیشیده (= دریافته) است... در هنگام تقسیم نیکی از طریق آتش سرخت و بنا بر میزان. »

زند یسن ۳۱ بند ۱۹ :

ēd ī tō **ātaxš ī suxr** ī ohrmazd **wizārišn** be dahēd ō pahikārdārān [kū **bōxt ud ēraxt** paydāg be kunēd].

« همانا آتش سرخت ای اورمزد به مناقشه‌کنندگان جدایی بدهد [یعنی نجات و محکومیت را پیدا (= آشکار) کند]. »

این بند از دینکرد به نموداری نجات و محکومیت اشاره دارد. بر مبنای تفسیر زند، جدایی (wizārišn) میان دو گروه مناقشه‌کنندگان، از طریق آتش سرخ اورمزد است. آتش که در رستاخیز وظیفه رسیدگی به اعمال را دارد در حقیقت نماد مادی ایزد «اشه» به شمار می‌آید. بدین گونه می‌توان گفت که اشه خود ناظر بر اعمال آدمیان در رستاخیز است.

۲-۴- رسیدن به دانایی از طریق مانسر

فرگرد ۷ بند ۶ :

ud ēn-iz kū kē ō xwāstār rāh ud pand ī frārōn hammōzēd ēg-iš **mānsar** hammōxt. ēd-iz rāy čē **dānāgīh** pad frārōn rāhīh ī mānsar bawēd.

« و این نیز کسی که به آن که خواستار است راه و پند نیک آموزد، آن گاه چنان است که او را مانسر (= کلام مقدس) آموخته باشد. زیرا که دانایی از طریق راه درست مانسر باشد. »

یسن ۳۱ بند ۶:

ahmāi aṇhaṭ vahištəm yē mōi **vīduuā** vaocāṭ haiṭīm **maṭrēm**...

« بهترین برای آن دانایی باشد که مانسر حقیقی را به من بگوید...»

زند یسن ۳۱ بند ۶:

ōy ast pahlom kē ō man **āgāhīhā** gōwē āškārag...**mānsar** hamāg rōšn.

« کسی بهترین است که به من از روی آگاهی آشکارا مانسر همه روشن را بگوید.»

رسیدن به دانایی (dānāgīh) از طریق راه نیکی است که مانسر نشان می‌دهد همچنان که مانسر حقیقی را باید از دانا (vīduuā) شنید. بنابر متن زند مانسر سبب روشنی (hamāg rōšn) است و آفرینش از طریق آن به تملک اورمزد می‌رسد.

۲-۵- اورمزد پدر اندیشه نیک است

فرگرد ۷ بند ۲۴:

kē ān ī-š andar dārišn xūb dārēd ā-š ohrmazd **wahman pīdarīh** gāh bawēd.

« و کسی که آفریدگان را خوب نگهدارد آنگاه جایگاه او همانند اورمزد پدر بهمن باشد.»

یسن ۳۱ بند ۸:

aṭ v̄βā mējīhī pouruuīm mazdā yazūm stōi manaṇhāvāṇhōuš **ptarēmmanāḥō**...

« پس تو را ای مزدا با اندیشه اندیشیدم که نخستین و نیز پسین <و> پدر اندیشه نیک هستی... »

زند یسن ۳۱ بند ۸:

ēdōn-im tō rāy menīd ohrmazd...**wahman pid** hē tō [pid ī wahman hē]

« ایدون تو را اندیشیدم ای اورمزد... تو < که > پدر بهمن هستی. »

کسی که با اندیشیدن به نیکی، آفریدگان اورمزد را مراقبت کند جایگاه او همانند اورمزد پدر بهمن/اندیشه نیک (wahman pīdarīh / wahman pīdarīh) است.

۲-۶- کردار خدای گونه داشتن

فرگرد ۷ بند ۲۶:

ud ēn-iz kū kē ohrmazd mēnōgīhā abar xwēštan xwadāy kunēd **pad kunišn**xwadāy bawēd.

« و این نیز کسی که اورمزد را به مینوی بر خویشتن خدای / سرور کند به کنش (= بالفعل) خدای باشد.»

یسن ۳۱ بند ۸:

...aṇhēuš **ahurēm šiiəθānačšū.**

«...ای مزدا < در کارهای جهان، سرور (=توانا) هستی.»

زند یسن ۳۱ بند ۸ :

...andar axwān **pad kunišn xwadāy hē** [kū pad wināh ud kirbag āmār kunēd].

«...در دو جهان به کنش (= بالفعل) خدای هستی [یعنی به گناه و کرفه آمار کنی].»
تفسیر زند، مراد از کنش خدایی در دو جهان را حسابرسی گناه و کرفه می‌داند.

۲-۷- خرد پرورش گوسفند

فرگرد ۷ بند ۲۸ :

ud ēn-iz kū kē pahrēz ī gōspandān menēd ā-š bawēd ān xrad kē gōspand padiš dahēd. ēd-iz rāy čē **xrad ī gōspand-dādārīh** ī ēwēnag andar mardōm kard ēstēd.

« و این نیز که کسی که به مراقبت گوسفندان اندیشد آنگاه او را آن خرد باشد که به وسیله آن گوسفند آفریده شود. زیرا که خرد آفریدگاری گوسفند را در میان مردم آیین کرده است.»

یسن ۳۱ بند ۹ :

ūβōi as ārmaitiš ūβō ā **gōuš tašā as xratuš**
mainiiēuš mazdā ahurā hiiat axiiāi dadā paūṇam...

« درست اندیشی آن تو بود نیز پرخردترین سازنده گاو (= سازنده پرخرد گاو). ای مزدا اهورا آنگاه که بنا بر مینویت راه را برای او (=گاو) گشودی...»

زند یسن ۳۱ بند ۹ :

pad tō ast ān ī **gōspand tāšīdār xrad** pad mēnōgih ohrmazd u-t ō ōy dād rāh.

« ای اورمزد برای توست آن خرد سازنده گوسفند <که> به مینوی راه را به او < نشان > دادی. این بند از دینکرد، اشاره به خرد آفریدگاری/ پرورش گوسفند دارد که در گاهان از آن به **gōuš tašā** یا پرخردترین سازنده گاو و در زند به **gōspand tāšīdār xrad** یا خرد سازنده گوسفند یاد شده است. در واقع اورمزد به وسیله آن راه مراقبت از گوسفندان را نشان داده است.»

۲-۸- درست اندیشی در دل و اندیشه

فرگرد ۷ بند ۳۲ :

ud ēn-iz kū kē čiš amahraspandān dōšēd ā-š ō mardōmān **dil ud menišn** ī pad nē frēbīhistan ī az rāh ī yazadān čāšt bawēd.

« و این نیز که کسی که کار امشاسپندان را دوست بدارد آنگاه گمراه نشدن از راه ایزدان را به دل و اندیشه مردمان آموخته باشد.»

یسن ۳۱ بند ۱۲ :

aṽrā vācəm baraitī...ahiiā **zərədācā manaḡhācā**
ānuš.haxš ārmaitiš mainiiū pərəsaitē yaṽrā maēṽā.

« آنجا که ندا برمی‌دارد... هر یک از طریق دل و منش <خویش> آرمیتی پی در پی می‌پرسد آنجا با مینوی آنکه مردد است.»

زند یسن ۳۱ بند ۱۲ :

...tā ō ān ī ōy **dil ud menišn** [ī zardušt] pad hāzišn [kū wēš hāzēm] kē
pad bowandag menišnīh pad ān ī mēnōg hampursēd.

« تا به دل و منش او [که زردشت است] به هدایت [یعنی بیشتر هدایت کنم] کسی که به وسیله درست اندیشی با آنکه مینو است همپرسی کند.»

هنگامی که راستگو و ناراستگو دل و اندیشه (zərədā manaḡhā) مردمان را به سوی خود می‌خواند، کسی که درست اندیش (= همراه با آرمیتی) است گمراه نخواهد شد. با توجه به اوستا منظور از امشاسپند در دینکرد، آرمیتی یا درست اندیشی است که مردمان را از گمراهی باز می‌دارد.

۲-۹- دیدن کرفه (= ثواب) آمیخته به گناه با چشم جان

فرگرد ۷ بند ۳۳ :

ud ēn-iz kū kē pad wahman tarsagāyīh kunēd **wināh ī andar ō kirbag**
gumēxt padiš nihuft ēstēd wēnēd...drust ī **gyān čašm** kē padiš wēnāg
wizēngar ud wizārdār bawēd wināh az kirbag.

« و این نیز کسی که به بهمن احترام کند گناهی را که به کرفه آمیخته و در آن نهفته است ببیند ... درست <همانند > چشم جان که <شخص > به وسیله آن بینا، گزیننده و جداکننده گناه از کرفه باشد.»

یسن ۳۱ بند ۱۳ :

...yē vā kasēuš **aēnaḡhōā** mazištām [a]iiamaitē būjəm
tā **cašmōḡg ṽβisrā** hārō aibī ašā [aibī.] vaēnahī vīspā.

« ...ای مزدا اگر کم گناهی کیفر بزرگ‌تر ببرد، همه اینها را با راستی می‌پایی، با چشم روشن می‌نگری.»

زند یسن ۳۱ بند ۱۳ :

ān ī pad dōčāšm [ēd kē wēnē ān] pad **gumēzag** sālār hē [**wināh ī andar ō**
kirbaggumēxt ēstēd] abar ahlāyīh ud abar wēnē harwisp.

« این که با دو چشم [که > به وسیله< آن ببینی] در < جهان > آمیخته سالاری (= قادری) [گناهی که با کرفه آمیخته شده است] با اهلابی همه را ببینی». کسی که نیک اندیش باشد به واسطه آن می‌تواند گناه آمیخته به کرفه را ببیند (= تشخیص دهد) همان گونه که اورمزد آن را با چشم روشن (*cašməṅg vβisrā*) می‌نگرد.

۲-۱۰- دهش پرهیزکار

فرگرد ۷ بند ۳۴ :

ud ēn-iz kū kē ō rādān **rādīh** kunēd ā-š ō mardōm **abām-dādārīh-iz** hammōxt bawēd.

« و این که کسی که به رادان رادی کند آن گاه به مردم وام‌دهی (= عوض دادن) را نیز آموخته باشد».

یسن ۳۱ بند ۱۴ :

tā vβā pərəsā ahurā yā zī āitī jəṅghaticā
yā išudō dadəntē **dāvranam** hacā ašəonō...

« از تو می‌پرسم ای اهورا که به راستی چه می‌آید و چه خواهد آمد آن نیروها که از دهش‌های پرهیزکار داده شوند».

زند یسن ۳۱ بند ۱۴ :

ān ī har dō az tō pursēm ohrmazd kē mad kē-z rasēd. kē **abām** dahēd az **dāsarān** az ān ō ōy ahlaw [az ān čiyōn abāyēd dād].

«آن هر دو را از تو می‌پرسم ای اورمزد که آمد و که می‌رسد، چه کسی وام دهد از بهرهایی که از آن پرهیزکار است [از آن چه باید داد (= بخشید)]؟»

منظور از *abām-dādārīh* در دینکرد وام‌دهی است که بنابر اوستا از دهش‌های پرهیزکار (*dāvranām ašəonō*) است. این واژه در زند به *dāsarān* ترجمه و آنچه باید بخشید، تفسیر شده است.

۲-۱۱- روایی کار اورمزد

فرگرد ۷ بند ۳۵ :

ud ēn-iz kū kē čand-iš tuwān ō čiš ī ohrmazd franāmēd ā-š a-zadārīh-iz a-wināhān hammōxt bawēd. ēd iz rāy čē čand tuwān ō **čiš ī ohrmazd franāftanwinah** fradom nē kirbag...

« و این نیز کسی که چندان که می‌تواند کار اورمزد را پیش برد (= وراج دهد) آنگاه آسیب نرساندن به بیگناهان را نیز آموخته باشد. از این رو که چندان که بتوان کار اورمزد را پیش بردن، نخست گناه است نه کرفه...»

یسن ۳۱ بند ۱۶ :

...yaθā huuō yē hudānuš dēm(ā)nahiia xšaθrēm
šoiθrahiā vā daxiiouš vā ašā **fradaθāi** aspərəzatā θβāuuas **mazdā**
ahurā...

« ... چگونه است آن بخشنده که از طریق راستی برای پیشرفت خانه، شهر و سرزمین می‌کوشد
مانند تو ای مزدا اهورا...».

زند یسن ۳۱ بند ۱۶ :

uš andar šoiθr ān andar deh ān kē pad ahlāyīh **frādahišnih** akōšīdār...tō
hāwand **ohrmazd** pad ān dahišn kē ēdōn ān ast pad kunišn-iz.

« و اندر روستا / سرزمین و اندر ده آن که با پارسایی برای پیشرفت کوشا باشد ... تو نسبت به آن
آفرینش به کنش همانند اورمزد < هستی >».

بنابر دینکرد برای رواج کار اورمزد نخست باید از گناه پرهیز کرد و به بیگناهان آسیب نرساند، در
حالی که متن اوستا و زند رواج کار اورمزد را در کوشش برای پیشرفت (fradaθāi / frādahišnih)
خانه و شهر و سرزمین می‌داند.

۲-۱۲- الهام بخشی منش نیک

فرگرد ۷ بند ۳۸ :

ud ēn-iz kū kē parwrdārīh ī **pad frārōnih** kunēd **daxšagēnīdār**-iz bawēd
ī kasān.ēd-iz rāy čē parwardār ošyārag-iz ud oš-daxšagēnīdār-iz bawēd ī
kasān.

« و این نیز کسی که به نیکی پرورداری کند، کسان < خود > را نشان دهنده / آگاه کننده نیز باشد.
از این روست که پرورنده هوشیار و آگاه کننده هوش کسان نیز باشد».

یسن ۳۱ بند ۱۷ :

...vīduuā vīdušē mraotū ...zdī nē mazdā ahurāvāḡhōuš **fradaxštā**
manaḡhō.

« باشد که دانا به خواهان دانش بگوید. ای مزدا اهورا آگاه کننده / الهام بخش منش نیک برای ما
باش».

زند یسن ۳۱ بند ۱۷ :

āgāhīh ī ōy ī āgāh rāy gōwē...azdēn amā ohrmazd [kū-mān be dān u-
mān] **padwahman frāz daxšag** [kū-mān pad frārōnih pad daxšag be
kun].

« آگاهی را به او که آگاه است بگو. ما را ای اورمزد آگاه کن [که بدانیم و ما را] به وسیله بهمن،
فراآگاه < کن > [یعنی ما را به وسیله نیکی آگاه کن]».

کسی که آگاه کننده (daxšagēnīdār) دیگران باشد به واسطه بهمن، فراآگاه (frāz) (daxšag) و همانند اورمزد الهام بخش منش نیک (vañhōuš fradaxštā manañhō) است.

۲-۱۳- گفتن سخن راست

فرگرد ۷ بند ۳۹ :

ēd-iz rāy čē xwadāyān **gōwišn ī rāst ī frārōn** guftan andar abē-bīmīh az xūb hastišn xwadāyih.

« از این رو که به خداوندگاران گفتن سخن راست <و> نیک در بی‌بیمی (=بدون ترس) از خوب بودن خدایی است.»

یسن ۳۱ بند ۱۹ :

gūštā yō mañtā ašōm ahūm.biš vīduuā ahurā
ərəžuxdāi vacaṇḥamxšaiamnō hizuuō vasō...

« ای اهورا آن درمانگر هستی و دانا که راستی را اندیشیده است <آموزش‌های شما را شنیده است > او <به سبب سخنان درست گفته شده و به میل خود بر زبان (=گفتار) توانا است...»

زند یسن ۳۱ بند ۱۹ :

niyōšišnih kē paymān ahlāyih padiš pad kār dō axwān ēdōn āgāh
ohrmazd...**aršuxt gōwišn** ōy ī pādixšāy [ī abē-bīm] pad uzwān kām-
kunišn.

«ای اورمزد، شنونده‌ای که به سبب پیمان اهلائی، به کار دو جهان ایدون آگاه است... او به سبب گفتار درست و به زبان و کرده مطابق میل توانا [یعنی بی‌بیم] است.»

در این بند از دینکرد بر گفتن سخن راست و نیک (gōwišn ī rāst ī frārōn) تأکید شده است. معادل اوستایی آن ərəžuxdāi vacaṇḥam یا سخنان درست گفته شده و زند آن aršuxt gōwišn است. گفتن سخن راست و بدون ترس نشانه وجود سروری/فرمانروایی نیک (xūb hastišn xwadāyih) است.

۲-۱۴- اورمزد به پرهیزکاران بیمرگی، کمال و فزونی اندیشه نیک می‌دهد

فرگرد ۷ بند ۴۱ :

...ōy kē ruwān ī xwēš **a-marg** kāmēd kardan ayārīh kunēd...

«...<اورمزد> کسی که روان خویش را بیمرگ خواهد، یاری می‌کند.»

فرگرد ۷ بند ۴۳ :

...pad kadār-iz-ē nēkīh arzānīgīh **bowandagīh** ud nēkīh kard bawēd.

«...به سبب هرآنچه نیکی کرده است سزاوار کمال و نیکی کردن باشد.»

فرگرد ۷ بند ۴۵ :

ēn-iz kū kē kasān az frārōnīh pad rāmišn kunēd ā-š waxšišn ud **abzōn ī azwāhman dād bawēd.**

« این نیز که < آن > که کسان را از نیکی به رامش دارد، آنگاه او را از افزونی از طریق بهمن داده شود.»

یسن ۳۱ بند ۲۱ :

mazdā dadāt ahurō hauruuatō **aməretātascā būrōiš...**

vaghēuš vazduuarēmanāḥō yē hōi mainiiū šiaouānāišcā uruuauō.

« مزدا اهورا تندرستی، بیمرگی، کمال > و < تداوم اندیشه نیک را به کسی که با کارها و مینوی او دوست است می‌دهد.»

زند یسن ۳۱ بند ۲۱ :

ohrmazd dād hōrdād, **amurdād, bowandag...** ān-iš **wahman wazdwarīh** [kū ān mizd ī wahman dahēd ā-z ōy dahēd] kē ōy ān ī xwēš mēnōg pad kunišn dōst.

« اورمزد خرداد، مرداد (= بیمرگی)، کمال ... > و < پایداری بهمن به او بخشد [یعنی مزدی که به بهمن دهد پس به او نیز دهد] که با مینوی خویش به کردار (= در عمل) دوست است.»

در بندهای (۴۱-۴۵) از فرگرد هفتم، از بیمرگی (a-margīh)، کمال (bowandagīh) و افزونی بهمن / اندیشه نیک، سخن گفته شده است. بنابر بند بیست و یکم از یسن ۳۱ نیز، اهوره‌مزدا بیمرگی (aməretātascā)، کمال (būrōiš) و تداوم اندیشه نیک (vaghēuš vazduuarēmanāḥō) را به کسی می‌دهد که با کارها و مینوی او دوست است. در متن زند، این واژه‌ها به wahman wazdwarīh و bowandag, amurdād ترجمه شده است.

از بررسی شواهد متنی فوق و مقایسه آن می‌توان چنین برداشت کرد که مولف یا مولفان دینکرد نهم، متون اوستا و زند، هر دو را در پیش چشم داشته، مفهوم و برداشت‌های خود را از این دو متن در عبارات متن دینکرد آورده‌اند و در پاره‌ای موارد برداشت‌های خود را بر تفسیر زند متکی کرده‌اند.

منابع

- تفضلی، احمد (۱۳۴۴-۱۳۴۵). تصحیح و ترجمه سوئگرنسک و ورشت - مانسرنسک از دینکرد نهم. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۹). «کاربرد نادری از مصدر *xwastan* در زبان پهلوی» در چون من در این دیار، جشن نامه دکتر رضا انزایی نژاد، انتشارات سخن، قطب علمی فردوسی شناسی و ادبیات خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۵۹-۱۶۳.
- Boyce, M. (1968). "Middle Persian Literature." *Handbuch der Orientalistik*. iv, ii. (Iranistik). Leiden/köln. pp.31-66
- De Menace (1958), *une Encyclopédie mazdéenne*, *Le Denkard*. Paris
- Dhabhar, B .N. (ed.). (1949). *Pahlavi Yasna and Visperad*. Bombay : The Shahnamah Press.
- Dresden, M.J. (1966). *Dēnkart, A Pahlavi Text*. Wiesbaden: otto Harrassowitz.
- Humbach, H. (1994). *The Heritage of Zarathustra, A new translation of his Gāthās*. Heidelberg: Carl Winter. universitätsverlag.
- Jamasp, A, and M. Nawabi. (ed.). (1976). *Manuscript D10, Dinkart part II*. Shiraz.
- Jamasp, A, and M. Nawabi. (ed.). (1976). *Manuscript J5, Dinkart*. Shiraz.
- Madan, D.M. (ed.). (1911). *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*. part I,II. Bombay.
- Sanjana, D,P. (1928). *The Dinkard*. V. XIX. Bombay.